بسم الله الرحمن الرحیم

خروجی ترم مقدمات تدبر در قرآن 1405-1404

نمایش سایه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی همزه

مدرسه‌ی قرآن و عترت اسلامشهر

هیئت محبان المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

فهرست

1. وسایل و مقدمات 3

1.1 لوازم 3

2.1 بازیگران 3

3.1 وکال های پیشنهادی 3

2. نمایشنامه 4

1.2 متن نمایش 4

2.2 نمونه تصاویر 10

1. وسایل و مقدمات

1.1 لوازم

نمایش سایه یا سایه بازی، صورتی باستانی و قدیمی از تاتر و نمایش است که با کمک بازیگرانی که بین منبع نور و صفحه‌ای نیمه شفاف اجرا میکنند صورت میگیرد. لذا برای برگزاری یک نمایش سایه که میتواند روشی هنرمندانه و ساده جهت ارائه‌ی مجسّم یک سوره باشد، گروه اجرایی تنها نیازمند یک منبع نور مانند چراغ قوه و نیز پارچه‌ای سفید و ساده خواهد بود.

2.1 بازیگران

برای اجرای نمایش سایه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی همزه، ناظر به متنی که در ادامه نگاشته شده‌است حدود 5 یا 6 بازیگر نیاز است که با توجه به عدم نیاز به حضور همزمان همه‌ی شخصیت ها دریک صحنه‌ی واحد، امکان ادغام و تقلیل تعداد بازیگران نیز موجود است.

3.1 وکالهای پیشنهادی

برای اجرای هرچه‌باکیفیت‌تر نمایش، پیشنهاد میشود که صدای بازیگران به صورت فایل صوتی ضبط شده برای تماشاگران پخش شود. بنابراین استفاده از وکالهای صوتی میتواند راهکاری درراستای اجرای دقیق‌تر و واقعی‌تر نمایش باشد. ضمن اینکه استفاده از برخی وکال ها میتواند مفاهیم و احساسات انتزاعی مذکور در سوره را برای مخاطب محسوس و ملموس ساخته و مفاهیم اصلی سوره را در ذهن ماندگار کند. برای اجرای نمایش سایه سوره همزه، استفاده از وکالهای زیر پیشنهاد میگردد:

-صدای ورق خوردن کتاب

-صدای سوختن آتش

-صدای شکستن شیشه

-صدای قدم زدن

-صدای محیط بیمارستان

-صدای چکش زدن آهنگر

-صدای به هم خوردن سفال

2.نمایشنامه

1.2 متن نمایش

(صدای ورق زدن کتاب)

- راوی: بسم الله الرحمن الرحیم

ویل لکل همزه لمزه

وای بر همز و لمز کننده

همز و لمز کننده؟

همز و لمز یعنی چه؟

به راستی همز و لمز چیست که خدایمان میگوید وای به حال انجام دهنده اش؟

آیا همان تمسخر است؟

نه، نمیتواند باشد، آخر خدا خود در قرآن فرموده لا یسخر قوم من قوم

پس چه دلیلی دارد که حالا اگر منظورش دقیقا همان است، از همان کلمه استفاده نکند؟

مگر نه اینکه او دانای کل است ومیتواند بهترین وبه جا ترین لغت را برای مقصودش بیان کند؟

پس همز و لمز باید تفاوتی داشته باشد

شاید شدید تر است، شاید مداوم تر است،

شاید در اثری که بر مخاطب می‌گذارد تفاوت دارد،

شاید در اثری ای که برای خودمان...

میخواهم معنی اش را بدانم

می خواهم ببینم

میخواهم با چشمانم ببینم همز و لمز چیست؟

می‌شود نشانم دهی؟ لتطمئن قلبی؟

.....

(صدای آتش)

- بازیگر: چرا اینقدر بی‌نظمی؟

مگه هر چیزیو سر جاش بذاری چقد طول میکشه چقد اذیت میشی؟

اینهمه تنبلی رو از کی یاد گرفتی من نمیدونم

فقطم درمورد اتاقت نیست که تو همه چی همیشه سرسری کار میکنی

درس خوندنتم مصیبته منه کلاس رفتنتم مصیبت منه

از پس هیچ کاری برنمیای همیشه هم پر از توقعی

شده هیچکاری رو درست انجام بدی؟

شده یه چیز ازت بخوام همونجور که میگم انجام بدی؟

فقط بلدی لم بدی رو مبل قر بزنی

آرزو به دلم موندم صبح ببینم پاشدی داری درس میخونی

یه نگاه بنداز هم سن و سالات ببین چقد عرضه دارن

درست مدرسه شونو میرن بی دردسر

تو کارای خونه هم کمک میدن

(صدای شکستن آینه)

.....

- راوی: گاه با ضرب مفتعلن مفتعلنِ چکش آهنگران همنوا میشویم

کلمات و جملات مان را در کوره میریزیم

ذوب میکنیم

میکوبیم

چکش میزنیمَ

و خنجری می‌سازیم که چکاچکش، "ز بهرام و کیوان همی بر گذشت"

سپس می ایستیم روبه روی کسی

و رستم شده، خنجر را به سینه اش فرو میکنیم

آتش میزنیم

خرد میکنیم

و بعد...

یک ساعت بعد، یک روز بعد، یک ماه بعد می‌فهمیم که ای دل غافل،

او سهراب بود،

فرزندمان، پاره‌ی تنمان، عزیز ترینمان

او سهراب بود

حسرت میخوریم پشیمان و خشمگین میشویم

ولی آینه‌ی شکسته که رفو نمیشود

چه میخواندیم؟

سوره‌ی همزه.

آنجا بودیم که گفت: وای بر همز و لمز کننده

اصلا دلم نمی‌خواهد مشمول واویلتای معبود باشم

باز هم میخواهم ببینم

میخواهم این همز و لمز را بیشتر بشناسم تا فاصله ام را بیشتر کنم، پرهیزم را، دقتم را،

باز هم نشانم بده تا ببینم و به خاطر بسپارم

.....

(صدای آتش)

- بازیگر: یه نگاه به خودت بنداز ببین اصلا ارزش اینکه محبتی دریافت بکنی داری؟

واقعا بنظرم تو لیاقت اینکه کسی دوستت داشته باشه رو نداری

پیش تو حال هیچکس خوب نیست

به هیچکس خوش نمی‌گذره مطمئنم همه بدون تو راضی ترن

اونقدر هیچی نیستی که بودنت با نبودنت برای دنیا فرقی نداره

میتونی امتحانش کنی

نمیتونی مثل بقیه توانمند و به درد بخور باشی

پس حقم نداری که انتظار داشته باشی باهات مثل بقیه محترمانه رفتار کنن

مطمئنم نمیدونی داری با زندگیت چیکار میکنی فقط داری وانمود میکنی که سردرمیاری

همه ی اینا عین حقیقته چونکه هیچکی تو رو بهتر از من نمیشناسه

من که بیشتر از همه میشناسمت از همه بیشتر ازت بدم میاد

شک نکن بقیه هم اگه بیشتر بهت نزدیک بشن، اگه بیشتر ببینن‌ت، اگه بیشتر بشناسنت،

حتما از اینکه اومدن سمت تو پشیمون میشن

از اینکه زمانی دوستت داشتن پشیمون میشن

توی دل هیچکس حقیقتا محبتی به تو وجود نداره باهاش کنار بیا

همون بهتر که همیشه تنها باشی

(صدای شکستن آینه)

.....

(صدای قدم زدن)

- راوی: از راسته‌ی آهنگران به راسته‌ی سفالگران میرویم

بوی گل خشک شده روی دست ها،

صدای چرخ سفال،

به یکدیگر خوردن سفال ها،

فرض کنید کوزه گری هستید

با ظرافت و نوازش دست هایتان، جامی بسیار ماهرانه ساخته

و برای کاری معین کنار گذاشته اید

حال کسی می آید و آن را بر سر دست گرفته مقابل چشمان تان بر زمین میکوبد و

می‌شکند

حالِ خداوند حال همان کوزه گر است هنگام تماشای ما به وقت خود شکنی

که خیام البته با کمی تلخیص و بازنویسی گفت:

جامی است که عقل آفرین می‌زندش

صد بوسه ز مهر بر جبین می‌زندش

این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف

می‌سازد و خلق بر زمین میزندش

به گمانم متوجه شدم،

همز لمز یعنی شکستن کرامت، حال میتواند نسبت به دیگران یا حتی خودمان باشد،

پس عام تر است از تمسخر، نیش، کنایه یا

غیبت...

.....

(صدای آتش)

- بازیگر1: سلام، خوبی؟ خسته نباشی، تموم شد شیفتت؟

- بازیگر2: سلام، آره، خسته ام، دیشبم نخوابیدم، الانم دارم میرم هیئت، میای؟

- بازیگر1: آره، دوس دارم بیام، ببین راستی خانم محمدیو من باهاش صحبت کردم که روز عاشورا به من مرخصی بده، میگه پره.

- بازیگر2: بین رمضانیو دیدی؟ تمام شیفتای خوب بره رمضانیه، نمیدونم این چیکار کرده...

- بازیگر1: والا معلوم نیست چه نسبتی داره با این محمدی من هرکاری میکنم باز اون تو چشمشه ظاهرشونم مذهبیه ها، تو ماه محرم آخه این چه کاریه، مدیونن واقعا

- بازیگر2: این که ما داریم میگیم غیبت نیست که؟

- بازیگر1: نه بابا تو روشم میگم

(صدای شکستن آینه)

.....

- راوی: دانستم

دانستم همز و لمز چیست

شکستن کرامت آدمی‌ست

آتش افروزی‌ست

سوزاندن است

سوزاندن دیگری یا خود، غریبه یا آشنا، پیر یا کودک

و چون آتش است، سنت خدا بر آن است تا به آتش اندازد

هرآنکس را که در قلوب و افئده بنده ای از بندگانش آتش اندازد...

(صدای ورق کتاب)

لینبذن فی الحطمه

و ما ادرئک مالحطمه

نار الله الموقده

التی تطلع علی الافئده

انها علیهم موصده

فی عمد ممدده

2.2 نمونه تصاویر



